

تحول مفهوم تروریسم؛ از انگیزه تا گستره فعالیت^۱

* بهنام بهاری

** مهدی بخشی شیخ احمد

چکیده

پرسش از تحول در مفهوم تروریسم هدف اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. در همین راستا فرضیه مقاله بدین قرار می‌باشد که تحولات عدیده‌ای در مفهوم تروریسم به وجود آمده است که عبارتند از: ۱. استفاده ابزاری از مذهب؛ ۲. ساختار سازمانی متفاوت؛ ۳. استفاده از تکنولوژی‌های نوین و سلاح‌های کشتار جمعی؛ ۴. فراملی بودن و عدم نیاز به حمایت از جانب دولت‌ها.

واژگان کلیدی

تروریسم، امواج تروریسم مدرن، تروریسم نوین.

۱. مقاله مستخرج از طرح «بررسی چپستی تروریسم جدید، مختصات و ویژگی‌های آن» است که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل انجام شده است.

*. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل. bahariodlo@gmail.com

** مدرس گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل. mbakhshi79@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۴

مقدمه

از زمان قدیم پدیده تروریسم در رابطه قدرت و سیاست، در جوامع به وقوع پیوسته است. اما در دو دهه اخیر به شکل شگفت‌انگیز و خطرناکی گسترش یافته است که گاه از آن به تروریسم مدرن و حتی تروریسم پست‌مدرن یاد می‌شود. مشخصه تروریسم در دوران معاصر، کشیدن مردم به صحنه جنگ و قدرت و استفاده از آنها در بر گرفتن راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم برای کسب قدرت و امتیاز است. به همین دلیل، بررسی پدیده تروریسم، در کانون توجه مطالعات علوم انسانی در رشته‌های مختلف قرار گرفته است. مراکز مطالعاتی و پژوهشی زیادی در دانشگاه‌های معتبر جهان تأسیس شده‌اند که به‌طور خاص به تحقیق درباره پدیده تروریسم مدرن می‌پردازند، اما در ایران با اینکه در کانون این بحران قرار گرفته است، پژوهش‌های درخور توجهی در این باره صورت نگرفته است. بدین‌سان، پرداختن به آن، هم به دانش و ادبیات در این حوزه می‌افزاید و هم به‌عنوان یک داده^۱ به‌تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در کشور برای رفع تهدید و حفظ امنیت ملی و بین‌المللی از یک‌سو و سیاست‌گذاری خارجی درست در رویارویی با آن از سوی دیگر، کمک خواهد کرد.

درواقع، تروریسم نوین «ممکن است به‌واسطه توافقی ضمنی میان بازیگران منطقه‌ای و یا پروژه‌های طراحی‌شده، امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران را مورد هدف قرار دهد» و علاوه بر آن، «در صورت وقوع این تهدید بر ضد منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، روحیه ملی در بُعد داخلی و منزلت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در محیط منطقه‌ای در معرض آسیب قرار خواهد گرفت». (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۲۲)

هدف از این پژوهش، بررسی تحولات به‌وجودآمده در ویژگی‌های مفهوم تروریسم است. چارچوب این مقاله، چهار موج تروریسم مدرن است که از اواخر قرن نوزدهم شروع شده است. منتها موج چهارم (تروریسم مذهبی) با‌عنوان تروریسم نوین بررسی می‌شود؛ زیرا این موج از تروریسم معاصر که از دودهمه قبل شروع شده است، تفاوت‌های فاحشی با سه موج قبلی دارد و شاخص‌های جدیدی برای تروریسم به‌ارمغان آورده است.

1. Data.

براساس آنچه که مطرح شد، سؤال اصلی این پژوهش این است که چه تحولاتی در مفهوم تروریسم به وجود آمده است؟ فرضیه پژوهش نیز بدین قرار است: تحولات عدیده‌ای در مفهوم تروریسم به وجود آمده است که عبارتند از: ۱. استفاده ابزاری از مذهب؛ ۲. ساختار سازمانی متفاوت؛ ۳. استفاده از تکنولوژی‌های نوین و سلاح‌های کشتار جمعی؛ ۴. فراملی بودن و عدم نیاز به حمایت دولت‌ها. تحولات یادشده سبب به وجود آمدن نوع جدیدی از تروریسم شده است که از آن با عنوان تروریسم نوین یاد خواهد شد. تروریسم نوین پیش از پیدایش عصر مدرن متصور نبود و از این رو، به یک معنا حاصل مدرنیته و مدرنیسم است؛ هر چند به ضدیت با آن برخاسته است. تروریسم نوین، گرایشی ابزاری به مدرنیته دارد؛ چراکه از نوسازی در حوزه‌های اقتصادی حمایت می‌کند، ولی بنیادهای ارزشی و فرهنگی آن را نفی می‌کند.

تروریسم

متعارف‌ترین شروع در بحث از تروریسم، تلاش برای تعریف آن می‌باشد. آیا تروریسم چیزی شبیه به جنگ‌های چریکی است؟ آیا آدم‌ربایی و ترور رهبران سیاسی را نیز شامل می‌شود؟ آیا این واژه می‌تواند تحت فشار قرار دادن شهروندان به وسیله دولت را - همانند دوره استالین - نیز تحت پوشش قرار دهد؟ آیا می‌توان انقلابیان و جنگجویان آزادی را از تروریست‌ها جدا کرد؟ پرسش‌های دیگری نیز می‌توان در این باره مطرح کرد که همه آنها سبب شده‌اند تا این واژه یکی از بحث‌برانگیزترین مفاهیم در علوم اجتماعی باشد. (بدی، ۱۳۷۸: ۲۵۱ - ۲۴۸؛ سلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۹۷ - ۱۸۱) صرف‌نظر از مشکل تشخیص و تمایز میان تروریسم و بنیادگرایی، جنگ‌های چریکی، جرم و جنایت و نیز قتل‌های سریالی، گزاره مشهور «یک تروریست از منظر دیگری یک جنگجوی آزادی محسوب می‌شود»، در بیشتر موارد به‌عنوان مشکل تعریف تروریسم برجسته می‌شود. در واقع، ممکن است از یک دیدگاه، شخصی که حملات کشنده‌ای انجام می‌دهد، یک تروریست قلمداد شود، اما در نقطه مقابل، از دیدگاه کسانی که این عمل را انجام می‌دهند و طرفدارانشان، او یک قهرمان و جنگجو در راه آزادی و آرمان خود محسوب شود.

بی‌شک نمی‌توان هیچ تعریفی از تروریسم به‌دست داد که همه انواع گوناگون این پدیده را که

در طول تاریخ وجود داشته است، دربرگیرد. اما منظور از گروه‌های تروریستی در این پژوهش، جنبش‌ها یا سازمان‌هایی هستند که حربه اصلی‌شان خشونت سیستماتیک بوده است. بر همین اساس، تروریسم، تاکتیکی حساب شده است که از انگیزه‌های سیاسی برانگیخته شده و از زور یا خشونت - برضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد - استفاده می‌کند و نقش اصلی آن، تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی است. (Weinberg & Pedahzur & Hirsch- Hoefler, 2004: 786)

در این عمل، قانون زیر پا گذاشته می‌شود و هدف، بیشتر ایجاد ترس در گروه بزرگی از مردم است. (Manin, 2008: 163) تفاوت تروریسم نوین با گونه‌های گذشته آن، این است که قربانیان آن، بیشتر، شهروندان بی‌گناهی هستند که یا به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند یا آن‌که به‌طور اتفاقی در موقعیت‌های تروریستی حضور داشته‌اند. (Manin, 2008: 163) بدین‌سان، تروریسم را می‌توان به‌مثابه ابزاری در نظر گرفت که از هشت جزء تشکیل شده است؛ تروریسم ۱. یک عمل عمدی، ۲. منطقی، ۳. خشونت‌آمیز، ۴. دارای هدف سیاسی و ۵. وحشت‌آفرین می‌باشد که ۶. از قوانین متعارف جنگ‌ها پیروی نمی‌کند، ۷. اهداف خودش را از بین جامعه انتخاب می‌کند و ۸. خواستار این است که رفتار خاصی را در جامعه مورد نظر تغییر دهد. (Garrison, 2003: 41; Shughart, 2006: 9)

چهار موج تروریسم مدرن

تروریسم مدرن را به چهار موج تقسیم کرده‌اند. اولین موج که به موج آنارشیستی معروف است، در دهه ۱۸۸۰ شروع شد و به‌مدت چهل سال ادامه پیدا کرد. به‌دنبال آن و در دهه ۱۹۲۰، موج ضداستعماری شروع شد و در دهه ۱۹۶۰ از بین رفت. اواخر دهه ۱۹۶۰، موج چپ جدید متولد شد و تقریباً تا دهه ۱۹۹۰ به‌طور لجام‌گسیخته‌ای ادامه یافت و هنوز هم در بعضی از کشورها از قبیل سریلانکا، اسپانیا، پرو و کلمبیا گروه‌هایی از آن فعال است. چهارمین موج یا موج مذهبی، از اواخر دهه ۱۹۷۰ شروع شد و اگر دنباله‌ای از امواج قبلی در نظر گرفته شود، هنوز هم ادامه دارد. (Rapaport, 2004: 47) این چهار موج، تشابهات زیادی با یکدیگر دارند، اما لزوماً یکسان نیستند. هر یک در محل متفاوتی شروع شده و دیگر گروه‌های شورشی را نیز درگیر کرده‌اند. علاوه بر این، بیشتر، از اهداف و تاکتیک‌هایی

استفاده می‌کنند که آنها را از موج‌های دیگر متمایز می‌سازد. (Ibid: 49)

برجسته‌ترین دلایل شروع موج اول، دکترین سیاسی و پیشرفت تکنولوژی بوده است. نویسندگان روسیه به‌ویژه «باکونین» و «کروپتکین»، دکترین یا استراتژی ترور را به‌وجود آوردند. (عالم، ۱۳۸۳) دگرگونی در الگوهای ارتباطات و حمل‌ونقل نیز سبب منقبض شدن زمان و مکان شد. هیچ جزوه، کتاب و یا همایشی نبود که در این دوره بتواند توده‌های مردم را برانگیزاند؛ حتی انقلابیان نیز به این باور رسیده بودند که شکل جدیدی از پیام نیاز است تا بتواند خواسته‌های مورد نظر آنها را برآورده سازد. چنین نیازی، به‌وسیله ترور برطرف شد. هیچ‌کس نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد، در نتیجه، تکرار اعمال تروریستی برای انقلاب ضروری به‌نظر می‌رسید. در واقع، ترور، سریع‌ترین و مؤثرترین وسیله برای نابودی سنت‌ها بود. (Ibid: 49 - 51)

پایان جنگ جهانی دوم، سرآغاز حیاتی دوباره برای موجی از تروریسم شد که قبل از دهه ۱۹۲۰ نیز در جریان بود. این موج از تروریسم که به تروریسم ضداستعماری مشهور شد، بیشتر در خدمت ملی‌گرایی و تمایلات جدایی‌خواهانه نژادپرستانه قرار گرفت. اما چیزی که بعد از جنگ جهانی دوم در این موج تازگی داشت، این بود که اولاً تکنولوژی پیشرفت کرده بود و طبعاً تروریست‌ها نیز از آن بهره‌مند می‌شدند و ثانیاً به‌موازات ضعیف شدن قدرت‌های استعماری اروپا و تغییر محل قدرت جهانی از اروپا به آمریکا، موج ضداستعماری تروریسم در شمال آفریقا، مدیترانه و آسیا در خدمت جنبش‌های آزادی‌بخش ملی قرار گرفت. این موج توانست در بعضی از کشورها مانند مصر و الجزایر به پیروزی دست یافته و این کشورها را به استقلال برساند. (Shughart, 2006: 13 - 19)

ضرورت روانی موج سوم یا موج چپ جدید را جنگ ویتنام به‌وجود آورد. این جنگ، دوگانگی زیادی درباره ارزش‌های سیستم موجود، به‌خصوص میان جوانان غربی، به‌وجود آورد. گروه‌هایی که در موج سوم ظاهر شدند، در بیشتر موارد، رادیکالیسم را با ناسیونالیسم ترکیب کردند (گروه اتا در اسپانیا، ارتش سرّی ارمنی برای آزادی ارمنستان و ارتش آزادی‌بخش ایرلند). واژه تروریسم بین‌المللی - که در طول موج آنارشیستی بارها استفاده می‌شد - برای معرفی مبارزان موج چپ جدید، بازآفرینی شد. در واقع، ویژگی انقلابی، پیوند مهمی میان

گروه‌هایی که از ملیت‌های مختلف بودند، ایجاد می‌کرد. برجسته‌ترین تاکتیک مورد استفاده در این موج، هواپیمارمایی بود که در طول دهه ۱۹۷۰ بیش از صد بار اتفاق افتاد. آدم‌ربایی نیز تاکتیک دیگر این موج بود که در طول چهارده سال و بعد از سال ۱۹۶۸، ۴۰۹ مورد در کشورهای ایتالیا، اسپانیا و آمریکای لاتین به‌وقوع پیوست. (Rapaport, 2004: 54 - 56;) (Shughart, 2006: 20)

موج مذهبی در اواخر دهه ۱۹۷۰ شروع شد. (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۷) در موج‌های قبلی نیز معمولاً مذهب نقش مهمی داشته است. همان‌طور که مبارزات ارمنیان، مقدونیان، ایرلندیان، قبرسیان، اسرائیلیان و فلسطینیان نشان می‌دهد، فعالیت‌های مذهبی و قومی نیز در مبارزات آنها وجود داشته است. اما تنها در این موج است که مذهب نقش بسیار متفاوت و مهمی ایفا می‌کند. (Rapaport, 2004: 58) در واقع، یکی از خصوصیات که به تروریسم فعلی، صفت نوین بودن بخشیده است، استفاده از مذهب است. البته مذهب فقط وسیله‌ای برای مشروعیت‌بخشیدن به خشونت است و چنین گروه‌هایی فقط می‌خواهند با توجیه مذهبی، مردم را به خود بدبین نکنند. بر همین اساس، آنها همچون گذشته به اهداف سیاسی خود پایبند بوده و آنها را دنبال می‌کنند. (Tucker, 2001: 6) با این حال، درهم‌تنیدگی انگیزه‌های مذهبی و اهداف سیاسی، سبب شده است تا تمایز میان جنبه‌های مذهبی و سیاسی گروه‌های تروریستی مذهبی مشکل شود. (Ranstorp, 1996: 42) بدین‌سان، تروریسم نوین از دل تروریسم مذهبی بیرون آمده و تفاوت‌های فاحشی با سه‌موج اول تروریسم مدرن دارد.

تروریسم نوین

بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که از میانه دهه ۱۹۹۰ تروریسم به‌سمت شکل جدیدی تغییر جهت داده که خصوصیات جدیدی نیز پیدا کرده است. به‌نظر می‌رسد تروریسم نوین دارای بازیگران، انگیزه‌ها، اهداف، تاکتیک‌ها و اعمال جدیدی است که با نوع قدیمی‌تر تروریسم که در میانه قرن بیستم در جریان بود، تفاوت دارد. به‌تعبیری، تروریسم نوین را تروریسم پست‌مدرن نیز نامیده‌اند. بر این اساس، تروریسم نوین «در چارچوب اهداف و قالب‌های مدرن همچون

قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی و یا ملیت‌گرایی نمی‌گنجد و اهداف و قالب‌های غیرمدرن یا فرامدرن همچون مذهب، هویت و جهانی‌شدن برای توضیح آن لازم است». در واقع، عاملان تروریسم نوین «صرفاً به رستگاری پس از مرگ می‌اندیشند و سود و زیان دنیوی و عقلانیت مدرن در محاسبات آنها جایی ندارد». (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۲۴ و ۸۲۵) اما پیش از بررسی تروریسم نوین، نگاهی به ویژگی‌های تروریسم قدیمی که در سه‌موج اول تروریسم قابل مشاهده است، می‌تواند ما را در فهم هرچه بیشتر و بهتر تروریسم جدید یاری رساند.

تروریسم قدیمی به‌طور مشخص از انگیزه‌های غیرمذهبی یا سکولار برانگیخته شده و دارای اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قابل تعریف است. بسیاری از عملیات‌های تروریستی، یا برای به‌دست آوردن سرزمین (تروریسم جغرافیایی) و یا تحقق اهداف سیاسی (تروریسم سیاسی) به‌وقوع می‌پیوست. (Clitear, 2007: 38) برای مثال، گروه‌های تروریستی چپ بدین دلیل از ترور استفاده می‌کردند که دولت‌های خود را مجبور کنند تا با سیستم سرمایه‌داری به مبارزه برخیزد. یا گروه‌های تروریستی نژادگرا خواستار استقلال خود بودند؛ به همین دلیل نیز خواسته‌های آنها قابل مذاکره بوده است. (Hoffman, 2001: 417 & 418) علاوه بر این، ایدئولوژی و اهداف انتخاب‌شده تروریست‌های قدیمی‌تر، واقع‌بینانه‌تر و قابل فهم بوده است. آنها نمی‌توانستند دست به کشتار جمعی بزنند؛ زیرا متحدان و حمایت‌کننده‌های خود را از دست می‌دادند. بنابراین، در انتخاب اهداف خود بیشتر دقت می‌کردند و بیشتر، اهدافی را انتخاب می‌کردند که ارزش سمبولیک داشته باشند (مانند رهبران سیاسی، سران حکومت، سفارتخانه‌ها، و ساختمان‌های نظامی و مالی). در واقع، آنها از اعمال خود به‌عنوان تبلیغی برای افزایش حمایت‌های عمومی استفاده می‌کردند. (Spencer, 2006: 6 - 7) این نوع از تروریسم می‌خواست تحولی، حتی به‌غلط، در جهان ایجاد کند. (شجائیان، ۱۳۸۵: ۷)

ویژگی دیگر تروریسم قدیمی، استفاده از سلاح‌های متعارفی مانند اسلحه‌های کم‌ری و خودکار و یا بمب است و کمتر به سلاح‌های کشتار جمعی علاقه دارند. همکاری با دولت‌ها، ویژگی دیگر این نوع از تروریسم است. در طول جنگ سرد، بیشتر گروه‌های تروریستی به یکی از قدرت‌های برتر وابسته بودند. سرانجام اینکه، تروریسم قدیمی یک ساختار سلسله‌مراتبی داشت که همهٔ بخش‌های آن به‌وسیلهٔ رهبر یا هستهٔ رهبری کنترل می‌شد. به

عبارت دیگر، همه سازمان‌های تروریستی قدیمی به صورت هرمی بودند که رهبری در آنها، در بالای هرم، تمام سیاست‌ها و نقشه‌ها را طرح‌ریزی می‌کرد و در مقابل، در قاعده هرم، اعضای سازمان از همه دستورالعمل‌ها اطاعت کرده و به گسترش اهداف سازمان می‌پرداختند.

(Spencer, 2006: 7 - 8)

دکتر نقیب‌زاده معتقد است:

در دنیای حاضر، تروریسم به دلیل وضعیت خاصی که جهان از نظر ارتباطات و ساختار نظام بین‌المللی پیدا کرده، مشغله عمده دولت‌ها شده و در این وضعیت نوین ممکن است تروریسم به تنها راه مبارزه علیه وضعیت موجود تبدیل شود.

به نظر ایشان:

در دنیای کنونی مراکز واحد قدرتی وجود ندارد و قدرت‌ها در حوزه‌ها و نقاط جغرافیایی مختلف پراکنده‌اند و تروریسم هم، به تبع این وضعیت خاص سیاسی، تغییر شکل داده و یک حالت کور و درواقع، بی‌هدف به خود گرفته که بسیار نگران‌کننده است. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۵)

«برگسون» و «لیزاردو»^۱ نیز معتقدند که تروریسم نوین در دهه‌های گذشته، خود را با تغییراتی که در سیستم جهانی رخ داده، وفق داده است. به عبارت دیگر، هرچه سیستم حاکم بر جهان تغییر کرده، تروریسم نیز همانند شکل‌های دیگر درگیری، از جمله جنگ، تغییر کرده است. به نظر آنها، تروریسم نوین براساس سیستم جهانی موجود، سه‌نوع است: نوع اول، تروریسمی است که به وسیله بازیگران اصلی سیستم جهانی، برضد سازمان‌های دولتی اصلی تروریسم جهانی، به کار گرفته می‌شود؛ نوع دوم، تروریسمی است که از مناطق حاشیه‌ای و نیمه‌حاشیه‌ای برمی‌خیزد و برضد دولت‌های همان مناطق نیز استفاده می‌شود؛ نوع سوم، تروریسمی است که ریشه در مناطق حاشیه‌ای و نیمه‌حاشیه‌ای دارد، اما برضد دولت‌های هسته اصلی به کار می‌رود. (Bergesen & Lizardo, 2004: 39 - 40)

مشکل است بتوان به‌طور دقیق ذکر کرد که تروریسم نوین از چه زمانی شروع شده است،

1. Bergesen & Lizardo.

اما به نظر بیشتر صاحب‌نظران، تروریسم نوین از میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی و از بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در نیویورک (۱۹۹۳) و حمله فرقه «آئوم شینریکیو»^۱ به متروی توکیو (۱۹۹۵) شروع شده است. (Spencer, 2006: 9) این نوع از تروریسم ویژگی‌هایی دارد که آن را از پیشینیانش متمایز می‌کند. تفاوت‌های میان تروریسم نوین و قدیم به‌طور خلاصه در جدول شماره ۱ آورده شده است.

ویژگی‌های تروریسم نوین

۱. استفاده ابزاری از مذهب

از جمله عوامل بی‌ثباتی در قرن بیست‌ویکم الهیات رادیکال و خشونت مذهبی است. این نوع از الهیات، از ایدئولوژی مذهبی رادیکال به‌مثابه ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می‌کند. بر همین اساس، بارزترین وجه تمایز تروریسم نوین، تأکید آن بر مذهب است. (Brown, 2007: 31) در واقع، انگیزه‌های مذهبی به‌عنوان اصلی‌ترین ویژگی تروریسم نوین شناخته می‌شود که سیستم ارزشی نوین، مکانیزم مشروعیت‌بخشی نوین و جهان‌بینی نوین را به‌وجود می‌آورد. (Copeland, 2001: 95؛ یزدانی و خدابنده، ۱۳۸۶: ۸۶۰) مثال‌هایی از تروریسم در همه سنت‌های مذهبی پیدا می‌شود.^۲ هیچ مذهبی را نمی‌توان به‌عنوان تنها مذهب تروریستی برشمرد. (Juergensmeyer, 2005: 28) در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود که به تدریج فاکتور مذهب در مناسبات سیاسی نقش بارزتری پیدا کرد و این امر، در همه مذاهب و کشورها دیده می‌شود. (Neumann, 2009)

مذهب، بیشتر به‌عنوان ارتباط‌دهنده انگیزه‌ها و اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌کار گرفته می‌شود. پس مذهب، نه علت مستقیم تروریسم و نه علت افراط‌گرایی سیاسی است. اکنون بسیاری از گروه‌های تروریستی گذشته که علایق جدایی‌خواهانه، نژادی و یا ایدئولوژیکی داشتند، به سازمان‌هایی پیوسته‌اند که انگیزه‌های ملی‌گرای و ایدئولوژیکی آنها

1. Aum Shinrikyo.

۲. برای بررسی نقش الهیات مسیحی و یهودی در به‌وجود آمدن تروریسم رجوع شود به:

Brinkley, 2006, at: www.dtic.mil/cgiibin/GetTRDoc?AD=ADA448500&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf

چندان قابل فهم نیست. این سازمان‌های تروریستی نوین، اهداف مذهبی و هزاره‌گرا دارند و خشونت بیش از حد را ترویج می‌کنند. (Hoffman, 1999: 9) در واقع، انگیزه‌های مذهبی سبب شده است تروریست‌ها خشونت را وظیفه‌ای الهی برای خود دانسته و در نتیجه، برای اعمال خود مشروعیت مذهبی ارائه کنند. (Copeland, 2001: 97) در مقابل، تروریسم نوع قدیمی‌تر که می‌توان گفت سکولار بود، از خشونت صرفاً برای رسیدن به خواسته‌هایش و بیشتر برای تغییر سیستم حاکم به نفع خود استفاده می‌کرد. (Brown, 2007: 9)

در بسیاری از موارد، گروه‌های تروریستی با علایق مذهبی، دیدگاه ایدئولوژی کلی‌گرایانه دارند؛ بدین معنی که دنیا را میدان نبرد میان خیر و شر^۱ می‌دانند. در همین راستا نیز از واژگانی کیهانی^۲ و دیالکتیکی مانند: مؤمنین در مقابل کافران، نظم علیه هرج و مرج و عدالت علیه بی‌عدالتی استفاده می‌کنند. در نتیجه، بیشتر این گروه‌ها از سمبل‌های مذهبی برای جمع کردن مردم در اطراف خود استفاده می‌کنند. (Ranstorp, 1996: 49) آنها خود را مستضعفانی معرفی می‌کنند که برای گرفتن حق خود، برضد ستمگران قیام کرده‌اند و می‌خواهند ملت خود را یا از دست حاکمان ظالم و یا از دست دشمنان خارجی نجات دهند. با این همه، بیشتر تروریست‌های مذهبی مایلند که شهروندان غیرنظامی را هدف قرار دهند و هیچ توجهی به جنس و سن اهداف ندارند؛ از این رو، به وسیله بسیاری از هم‌کیشان خود طرد می‌شوند. (Ashraf, 2004: 36)

نوع جنگی نیز که تروریست‌های مذهبی به راه انداخته‌اند، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. این جنگ‌ها غیرعادی، غیرمتعارف و غیرمتمرکز شده‌اند. جنگ این گروه‌ها برخلاف جنگ‌های سابق، هم دولت‌ها و هم ملت‌ها را هدف قرار می‌دهد. اعضای این گروه‌ها هیچ یونیفورمی نمی‌پوشند و اهداف خود را از میان مردم عادی انتخاب می‌کنند. قوانین جنگی گذشته نیز که دولت‌ها - ملت‌ها را تحت پوشش قرار می‌داد، نمی‌تواند بر تروریست‌ها و دولت‌های حمایت‌کننده از آنها چیره شود. با وجود این، همان‌طور که ذکر شد، مهم‌ترین ویژگی این گروه‌ها که سبب تمایز آنها و نوع جنگشان از موارد قبلی می‌شود، پایه‌های ایدئولوژی آنها یعنی مذهب است. (Shults, 2003: 6 - 7)

1. Good and Evil.
2. Cosmic.

برای استفاده و حمایت از خشونت مذهبی باید «دشمنان تعریف شده‌ای» وجود داشته باشند. مشخص کردن دشمن و تصمیم برای استفاده از خشونت برضد آنها به میزان و عمق بحرانی بستگی دارد که ایمان و جوامع گروه‌های تروریستی را تهدید می‌کند. در سطح داخلی ممکن است مخالفت‌ها به سمت فسادها و بی‌عدالتی‌های سیستم سیاسی و یا دیگر جوامع مذهبی هدایت شود. در سطح خارجی نیز ممکن است برضد نیروهای خارجی‌ای تمرکز یابد که در جامعه حضور فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی دارند و تهدیدی برای جامعه مذهبی چنین گروه‌هایی محسوب می‌شوند. برای مثال، گرایش‌های ضدغربی و ضداسرائیلی میان تروریست‌های مسلمان ریشه در میراث تاریخی فشار سیاسی غرب بر این جوامع و در نتیجه، به حاشیه رانده شدن اجتماعی و اقتصادی این جوامع دارد. از طرف دیگر، افزایش ایدئولوگ‌های سکولار و غیرمشروع شدن نخبگان سیاسی و اقتصادی معاصر، به‌ویژه بعد از شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷، در به‌وجود آمدن چنین گرایش‌هایی بی‌تأثیر نبوده‌اند. (Ibid: 52 & 53)

گروه‌های تروریستی مذهبی، از «وسایل، روش‌ها و زمان‌هایی» استفاده می‌کنند که بیشترین تأثیر را داشته باشد. (Ashraf, 2004: 36) آنها در مقابل دشمنان ابرقدرت خود از عملیات‌های انتحاری استفاده می‌کنند. این عمل سبب می‌شود دیگران نیز راه آنها را ادامه دهند. اهداف انتخابی گروه‌های تروریستی مذهبی، سمبولیک است. این امر باعث می‌شود تا از سوی بیشترین تأثیر روان‌شناختی را بر روی دشمن بگذارد و از سوی دیگر، اعتبار گروه‌های تروریستی را میان هوادارانشان بالا ببرد. حمله به نمادهای مهم نیز از جمله اهدافی است که به‌عمد از سوی چنین گروه‌هایی انتخاب می‌شود تا عکس‌العمل دشمن را در پی داشته باشد. حمله به مسجدالاقصی در سال ۱۹۸۲ از سوی تندروهای یهودی از جمله این موارد است که از سوی متعصبان یهودی طرح‌ریزی شد تا بین یهودیان و مسلمانان جنگ به‌راه اندازد. زمانی نیز که از سوی گروه‌های تروریستی مذهبی برای حمله انتخاب می‌شود، حساب‌شده است. این زمان‌ها طوری انتخاب می‌شوند که یا با ایام مذهبی خود این گروه‌ها تطابق داشته باشد و یا اینکه به تعطیلات مذهبی و ماه‌های مقدس دشمنانشان بی‌حرمتی شود. برای مثال، حمله نژادپرستان سفیدپوست به ساختمان فدرال اکلاهاماسیتی، از سوی، با

دومین سالگرد حمله اف. بی. آی^۱ به شاخه این گروه در تگزاس و از سوی دیگر، با دویست و بیستمین سالگرد شروع انقلاب آمریکا همزمان بود. (Ranstorp, 1996: 55 - 56)

۲. ساختار سازمانی متفاوت

ساختار سازمان‌های رسمی به صورت هرمی^۲ است؛ بدین معنی که اعضای آن در قاعده هرم و گروه مدیریتی یا رئیس در رأس هرم قرار گرفته‌اند. این شکل از ساختار سازمانی، در گروه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و نظامی دیده می‌شود. جایگزین ساختار هرمی، سیستم سلولی یا شبکه‌ای است. در این نوع از ساختار سازمانی، هیچ‌گونه کنترل مرکزی بر اعضا و یا سلول‌ها وجود ندارد و همه سلول‌ها به صورت مستقل عمل می‌کنند و هیچ گزارشی به ستاد فرماندهی ارائه نمی‌کنند. این نوع از ساختار، «مقاومت بدون رهبری»^۳ نیز نامیده می‌شود که در گروه‌های تروریستی نوین وجود دارد. در واقع، چنین ساختاری به همه گروه‌های منفرد تشکیل‌دهنده یک سازمان این اجازه را می‌دهد که به‌تنهایی عمل کنند. سابقه چنین ساختاری به دوران انقلاب آمریکا برمی‌گردد که گروه‌های مبارز از آن استفاده می‌کردند. (Lesser, 1999: 86; Beam, 1992)

مقاومت بدون رهبری، سیستمی است که در آن، سازمان براساس اعضا و سلول‌هایش به فعالیت می‌پردازد و هیچ هسته رهبری و یا کنترلی ندارد. (Tucker, 2001: 1) در واقع، مبارزان به خواست خود، به عضویت شبکه درمی‌آیند و آزادند در پیرامون خود سلول ایجاد کنند. در نتیجه، ضربه‌زدن به پرسنل و سازمان‌ها سبب از میان رفتن شبکه‌ها نمی‌شود. (Copeland, 2001: 14) به عبارت دیگر، ساختار گروه‌های تروریستی نوین به نحوی است که به‌سختی قابل شناسایی‌اند. این گروه‌ها، به دلیل جایگزین شدن روابط شخصی به جای روابط سلسله‌مراتبی، به جای اینکه سازمان قلمداد شوند، بیشتر با عنوان شبکه توصیف می‌شوند. (Neumann, 2009)

گروه‌های تروریستی نوین، به دلیل اینکه «بیشتر به وسیله یک ایدئولوژی مشترک و نه

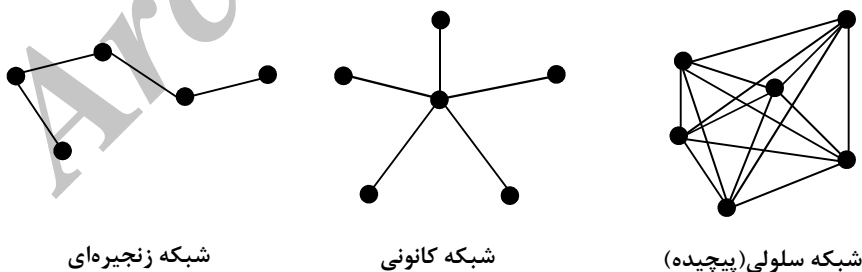
1. FBI.

2. Pyramid.

3. Leaderless Resistance.

به صورت فیزیکی» شکل یافته‌اند، با عنوان دولت مجازی نیز یاد می‌شوند. در واقع، دولت مجازی، «طرحی فراگیر است که بر شبکه‌ای از سازمان‌ها حاکم بوده و به طور ایدئال پیوندهایی نامرئی پدید می‌آورد که طرح را نگه می‌دارد. شبکه ترور، رهبری عملیات ندارد، بلکه از واحدهایی تشکیل شده که به سرعت در بخش‌های مختلف جهان شکل می‌گیرند». علاوه بر این، انعطاف‌پذیری در ساختار سازمانی، «این امکان را برای واحدهای دوردست به وجود می‌آورد که بدون اطلاع از دستورات مرکزی که فاقد وجود فیزیکی است، دست به عملیات تروریستی بزنند و به صورت یک دولت مجازی عمل کنند. این ساختار انعطاف‌پذیر، این امکان را فراهم می‌آورد تا عملیات شبکه به لحاظ اقتصادی و پرسنل کارآمدتر شود». (ارس، ۱۳۸۶: ۱۹۱ - ۱۸۵)

به طور کلی، سه نوع شبکه وجود دارد (نمودار شماره ۱). نوع اول، شبکه زنجیره‌ای^۱ نامیده می‌شود که در آن مردم، کالاها و یا اطلاعات در یک خط ارتباطی حرکت می‌کنند و نقاط اتصال جداگانه‌ای دارند. این نوع شبکه، برای سازمان‌های قاچاق مناسب است. دومین نوع، کانونی^۲ است که بیشتر در شرکت‌های تجاری دیده می‌شود و در آن، همه بازاریگران سعی می‌کنند تا هسته یا بازیگر اصلی شبکه باشند؛ گروه‌های تروریستی قدیمی و نیز جنایی از این نوع شبکه استفاده می‌کردند. سومین نوع از ساختار شبکه‌ای، شبکه سلولی یا پیچیده^۳ است که در گروه‌های نظامی کوچک دیده می‌شود؛ جایی که هر گروهی به گروه دیگر متصل است و ارتباطات و عدم تمرکز بالایی در شبکه حاکم است. گروه‌های تروریستی نوین از چنین شبکه‌ای استفاده می‌کنند. (Arquilla, Ranfeldt & Zanini, 1999: 49 & 50)



نمودار شماره ۱: انواع شبکه‌های سازمانی

1. Chain network.
2. Hub network.
3. All _ channel network.

۳. استفاده از تکنولوژی‌های نوین و سلاح‌های کشتار جمعی

تروریسم نوین، از امکانات و قابلیت‌های جهانی شدن به‌ویژه جهانی شدن صنعتی، به‌خوبی بهره می‌برد. (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۲۹) تکنولوژی‌های نوین، به ویژه تکنولوژی ارتباطات و سلاح‌های کشتار جمعی،^۱ فرصت‌های بی‌بدیلی در اختیار تروریست‌های نوین قرار داده است تا خطرناک‌تر از تروریست‌های گذشته شده و در نتیجه، در گستره وسیع‌تری دست به کشتار بزنند. تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، امکان ارتباط راحت‌تر تروریست‌ها را با یکدیگر فراهم کرده است. آنها از تکنولوژی برای حمله به اهداف و نیز حفظ ساختار سازمانی خود استفاده می‌کنند. (Bell and Gray, 2004: 37) علاوه بر این، تکنولوژی‌های نوین امکان دسترسی بیشتر آنها را به سلاح‌های کشتار جمعی در اختیارشان قرار می‌دهد که در این میان، سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی قابل دسترس‌ترند. (Morgan, 2004: 39; Tucker, 2001: 1)

از اوایل دهه ۱۹۹۰ گروه‌های تروریستی‌ای که بیشتر علایق مذهبی و هزاره‌گرا داشتند، به‌سمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی روی آوردند که از جمله آنها می‌توان به فرقه «آئوم شینریکیو»^۲ و سازمان القاعده اشاره کرد. (Hudson, 1999: 1 - 4) دلیل استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نیز این است که معتقدند افزایش خشونت، تأثیر بیشتری بر افکار عمومی خواهد گذاشت. در واقع، استفاده از این سلاح سبب شده است تا حملات گروه‌های تروریستی نوین فاجعه‌آمیز شده و به مرگ هزاران آدم بی‌گناه و شهروندان عادی منجر شود. (Simon & Benjamin, 2002: 66) تروریست‌های نوین، قربانیان خود را به‌صورت کاملاً تصادفی انتخاب می‌کنند. (Doyvesteyn, 2004: 439) اعضای فرقه «آئوم شینریکیو» بر این باورند که بعد از کشتار در متروی توکیو توانستند توجه جهانیان را به خواسته‌های خود جلب کنند. (Hoffman, 1999: 13) علاوه بر این، آنها خود را تنها در مقابل خدا مسئول دانسته، اعمال خود را به‌مثابه تقابل خیر و شر قلمداد می‌کنند. از این‌رو، به هیچ‌گونه مذاکره‌ای

1. Weapons of Mass Destruction (WMD).

برای بررسی نحوه استفاده تروریست‌ها از سلاح‌های کشتار جمعی، رجوع شود به:

Tucker, 1999, available at: www.cdc.gov/ncidod/eid/vol15no4/tucker.html

۲. برای بررسی پیشینه، عقاید و رهبران این فرقه، رجوع شود به:

Hudson, 1999, 111 _ 125.

اعتقاد ندارند. «آنها نمی‌خواهند روی نیمکت بنشینند، بلکه می‌خواهند نیمکت و هر کسی را که در آن نشسته است، نابود کنند.» (Morgan, 2004: 30 & 31; Spencer, 2006: 9 10)

۴. فراملی بودن و عدم نیاز به حمایت دولت‌ها

امروزه تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی تبدیل شده و در عصر جهانی‌شدن و فناوری‌های پیشرفته، دیگر اقدامات تروریستی، در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نمانده است. (زین‌العابدین، ۱۳۸۶: ۷۱۲) تروریسم نوین، جامعه جهانی را دربرگرفته است. گستره جغرافیایی تروریسم قدیمی، داخلی و یا حداکثر منطقه‌ای بود؛ در مقابل، تروریسم نوین در فراسوی مرزهای ملی و منطقه‌ای فعالیت کرده و بالطبع تأثیر جهانی داشته است و امنیت صلح جهانی را تهدید می‌کند. (Barzegar, 2005: 114; Lesser, 1999: 86) تروریسم نوین به وسیله گروه‌هایی انجام می‌شود که در مناطق حاشیه‌ای و یا نیمه‌حاشیه‌ای جهان قرار دارند، اما اهداف واقع در هسته اصلی و یا اهداف متعلق به آنها در سراسر جهان (از جمله پایگاه‌های نظامی و سفارتخانه‌ها) را هدف قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، این نوع از تروریسم، فراملیتی^۱ بوده و مرزهای ملی را درمی‌نوردد. (Bergesen & Lizardo, 2004: 49)

با وجود اینکه حمایت‌کننده‌های دولتی هنوز هم در تروریسم نوین نقش مهمی دارند، جهانی‌شدن و در نتیجه، راحتی حرکت مردم و پول‌هایشان فرصتی در اختیار تروریست‌ها قرار داده است تا منابع مالی خود را از راه‌های غیرقانونی و جنایت‌آمیز به دست آورند. برای مثال، اعضای از بربهای تامیل که در اروپای غربی دستگیر شده‌اند، اعتراف کرده‌اند در قاچاق دارو دست داشته‌اند. بعضی از گروه‌های تروریستی نیز با سازمان‌های جنایی همکاری می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به همکاری گروه جدایی‌طلب فارک با سازمان‌های قاچاق مواد مخدر در پرو و کلمبیا اشاره کرد. (Copeland, 2001: 96)

به دلیل عدم پشتیبانی دولت‌ها، اعضای تروریسم نوین بیشتر آماتور (غیرحرفه‌ای) هستند و به طور کامل از جامعه خود جدا نمی‌شوند. این افراد، بیشتر آموزش‌های خود را از راه‌های غیررسمی (از جمله اینترنت) به دست می‌آورند. (Hoffman, 1999: 2026) غیرحرفه‌ای بودن

1. Transnational.

اعضای چنین سازمان‌هایی سبب می‌شود به آموزش زیاد و حمایت‌های لجستیکی نیاز نداشته باشند. علاوه بر این، خود شبکه‌ها حمایت‌های لازم را از آنها به‌عمل می‌آورند و به حمایت‌های دولتی نیازی ندارند. به دلیل غیرحرفه‌ای بودن تروریست‌های نوین و فعالیت‌های آنها در زندگی روزمره، شناسایی آنها نیز سخت‌تر شده است؛ زیرا از یک‌سو، تا قبل از دست‌زدن به اعمال تروریستی، کسی آنها را نمی‌شناسد و از سوی دیگر، بعد از عملیات نیز بلافاصله از گروه جدا شده و به فعالیت‌های عادی و زندگی روزمره خود می‌پردازند. (Tucker, 2001: 2; Spencer, 2006: 11 & 12; Copeland, 2001: 97)

جدول شماره ۱: تفاوت‌های میان تروریسم نوین و قدیمی

تروریسم نوین	تروریسم قدیمی	
استفاده از مذهب به‌عنوان مشروعیت‌دهنده	از نظر مذهبی بیشتر سکولار هستند	نوع نگاه به مذهب
شبکه‌ای	سلسله‌مراتبی	نوع سازمان
سلاح‌های غیرمتعارف (به‌ویژه سلاح‌های کشتار جمعی)	سلاح‌های متعارف	نوع سلاح‌های مورد استفاده
کشتار جمعی و فاجعه‌آمیز	کشتار محدود و انتخاب‌شده	میزان کشتار
هزاره‌گرا و بدون اهداف سیاسی ملموس	واقع‌بین و دارای اهداف سیاسی ملموس	اهداف انتخابی
غیرحرفه‌ای	حرفه‌ای	اعضا
فراملی و در گستره جهانی	ملی و منطقه‌ای	گستره فعالیت

نتیجه

«والتر لاکور» در مقاله‌ای که به سال ۱۹۹۶ نوشت، پیش‌بینی کرد که با پایان قرن بیستم و آغاز هزاره جدید، تروریسم جایگزین جنگ‌های بزرگ در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم خواهد شد. (Laqueur, 1996) به نظر می‌رسد پیش‌بینی وی به واقعیت بدل شده است. تروریست‌های جدید کمتر از پیشینیان خود در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ایدئولوژیک هستند و در عین حال، بیشتر از آنها به اعتراضات مذهبی و قومی متوسل می‌شوند. در واقع، در

تروریسم نوین، مذهب بیشتر به عنوان ارتباط‌دهنده انگیزه‌ها و اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به کار گرفته می‌شود. پس مذهب، نه علت مستقیم تروریسم و نه علت افراط‌گرایی سیاسی می‌باشد و در همه مذاهب می‌توان نمونه‌هایی از این دست را شناسایی کرد.

ساختار سازمانی متفاوت در گروه‌های تروریستی نوین سبب شده است سازمان آنها از تحرک بالایی برخوردار شود. استفاده از ساختار شبکه‌ای، این امکان را می‌دهد تا گروه‌های تروریستی جدید به راحتی در محیط‌های مختلف سلول‌های جدید ایجاد کنند. با توجه به اینکه سلول‌ها هیچ رابطه‌ای با یکدیگر ندارند، در نتیجه، از بین رفتن یک سلول به سلول‌های دیگر ربطی ندارد و شبکه به راحتی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

تروریسم نوین هیچ محدودیتی را چه در داخل و چه در خارج بر نمی‌تابد. این نوع از تروریسم، بین‌المللی بوده و به عبارتی، به‌طور واقعی جهانی محسوب می‌شود؛ شهروندان عادی را بیشتر از نظامیان هدف قرار می‌دهد؛ همیشه در حال جابه‌جایی است و از این نظر، مثل زنبوران عسل در کندو عمل می‌کند. فعالیت تروریست‌ها در گستره جهانی، صلح جهانی را نیز به‌خطر انداخته است. در نوع قدیمی‌تر تروریسم با توجه به اینکه فعالیت تروریست‌ها در گستره ملی و یا در نهایت، در گستره منطقه‌ای بود، گروه‌ها و اهداف آنها به راحتی قابل شناسایی بود. اما در عصر جهانی‌شدن و کمرنگ‌شدن نقش مرزها، تروریست‌ها نیز گستره فعالیت خود را گسترش داده‌اند. بر همین اساس، نه تنها شناسایی آنها مشکلاتی را در پی داشته است، شناخت اهداف و منطقه فعالیتشان نیز سخت‌تر از قبل شده است. بهره‌بردن از جهانی‌شدن صنعتی، تروریست‌های جدید را بیشتر از پیش خطرناک کرده است. در دسترس بودن سلاح‌های کشتار جمعی، به‌ویژه نوع بیولوژیکی و شیمیایی آن، موجب شده است تا تروریست‌های معاصر خطرناک‌تر از قبل شوند. علاوه بر این، تکنولوژی ارتباطات، ارتباط تروریست‌ها با یکدیگر را آسان‌تر کرده است.

به‌طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد تروریسم نوین بسیار پیچیده‌تر و خطرناک‌تر از نوع قدیمی‌تر آن شده است و همین امر، مقابله با آن را با مشکلات متعددی روبه‌رو کرده است. تنوع گروه‌های تروریستی نوین و همچنین دیرپا بودن سنت تروریستی در کشورمان، این امکان را به تروریست‌های نوین می‌دهد تا با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات جدید، منافع ملی

جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد داخلی و منطقه‌ای در معرض تهدید قرار دهند. به بیان دیگر، در صورت تحقق تهدید تروریسم نوین بر ضد جمهوری اسلامی ایران، این احتمال وجود دارد که از بُعد منافع داخلی، به تضعیف روحیه ملی منتهی شود که در مواقع حساس می‌تواند به تردید در حراست از کیان ملی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تبدیل شود.

در بُعد منطقه‌ای نیز تروریسم نوین می‌تواند منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدیداتی روبه‌رو کند که می‌توان آن را منزلت ایدئولوژیک نامید. بدین معنی که تروریسم نوین اولاً همزیستی شیعه و سنی را در منطقه به شدت بر هم زده و حتی در شرایط حاد ممکن است روابط آنها را در جامعه ایرانی نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این صورت، شکاف سنی - شیعه در برابر شکاف اسلام و غرب تقویت می‌شود؛ و ثانیاً در صورت وقوع، منافع مشترکی را میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده (به‌عنوان هدف اصلی تروریسم نوین در حال حاضر) در منطقه ایجاد می‌کند که ممکن است دو طرف را ترغیب به همکاری پیرامون این منفعت مشترک نماید. در این صورت، مرز ترسیم‌شده در اذهان مردم منطقه و مسلمانان جهان میان جمهوری اسلامی و آمریکا کدر خواهد شد و این بیش از هر چیز به‌منزله تضعیف شأن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در بُعد منطقه‌ای است». (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۴۱ و ۸۴۲)

بنابراین، با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی برخاسته از انقلابی مذهبی، همواره با انواع و اقسام گرایش‌ها و امواج تروریستی همچون تروریسم چپ‌گرا (مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی)، تروریسم قوم‌گرا (کومله و حزب خلق ترکمن) و تروریسم آنارشیست (گروه فرقان) دست به گریبان بوده است، توجه به ویژگی‌های ذکر شده درباره موج چهارم (تروریسم نوین) می‌تواند راهکارهای نحوه مقابله و سیاست‌گذاری صحیح در رویارویی با آن را نشان دهد.

منابع و مأخذ

۱. ارس، بولنت، ۱۳۸۶، «القاعده، جنگ علیه تروریسم و ترکیه»، در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، ترجمه حسن نقدی‌نژاد و امیرمحمد سوری، پژوهش نوزدهم، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

۲. بخشی شیخ احمد، مهدی، ۱۳۸۷، «القاعده و تروریسم مذهبی»، *علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۸۷.
۳. بدی، توماس جی، ۱۳۷۸، «تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش علمی»، *مطالعات راهبردی*، ترجمه سیدرضا میرطاهر، شماره ۵ و ۶.
۴. پورسعید، فرزاد، ۱۳۸۵، «تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره ۴.
۵. زین العابدین، یوسف، ۱۳۸۶، «تروریسم: چالش ژئوپلیتیکی نوین در جهان»، *سیاست خارجی*، سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز.
۶. سلیمانی، رضا، ۱۳۸۵، «آشفته‌گی معنایی تروریسم»، *علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان.
۷. شجائیان، رضا، ۱۳۸۵/۵/۲، «تاریخچه تروریسم از قرن هجدهم تا امروز؛ آدمکشی به شیوه نوین»، *روزنامه اعتماد*، شماره ۱۱۶۹.
۸. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۸۳، «آنا‌رشیسم؛ گذشته، حال و آینده»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۶۵، پاییز.
۹. نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۸۵، «کارکردهای آشکار و پنهان تروریسم»، *زمانه*، شماره ۵۱، آذرماه.
۱۰. یزدانی، عنایت‌الله و محمد خدابنده، ۱۳۸۶، «علل تحول تروریسم در عصر پست‌مدرن»، *سیاست خارجی*، سال بیست و یکم، شماره ۴، زمستان ۸۶.
11. Arquilla, John & David Ranfeldt & Michele Zanini, 1999, "Networks, Net wars, and Information _ Age Terrorism", in: *Countering the New Terrorism*, eds. Ian O. Lesser et al, Santa Monica, Calif: RAND.
12. Ashraf, M. A, 2004, "True Islamic Teachings Compared to Al _ Qaeda's Doctrine", *The Review of Religions*, Vol. 99, No. 4, April.
13. Barzegar, Keyhan, 2005, "The Middle East and the "New Terrorism"", *Journal on Science and World Affairs*, Vol. 1, No. 2.
14. Beam, Louis, 1992, "Leaderless Resistance", *The Seditonist*, Issue

- 12, February, also available at:
www.louisbeam.com/leaderless.html
15. Bell, Kevin & Chris Hables Gray, 2004, "Understanding Postmodern Terrorism" in: *Bryan Lee Cummings (eds.)*, Beyond The Campaign: The Future of Terrorism, New York, CENSA.
16. Bergesen, Albert J. & Omar A.Lizardo, 2004, "International Terrorism and the World _ System", *Sociological Theory*, Vol. 22, No. 2.
17. Brinkley, David, 2006, *Radical Theology as a Destabilizing aspect of the 21st Century Strategic Security Continuum*, U.S. War College, Carlisle Barracks, Pennsylvania, available at:
www.dtic.mil/cgibin/GetTRDoc?AD=ADA448500&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf
18. Brown, Cady, 2007, "The New Terrorism Debate", *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, Vol. 6, No. 3 & 4, Full & Winter.
19. Clitear, Paul, 2007, "The Postmodern Interpretation of Religious Terrorism" *Free Inquiry*, vol. 27, No. 2, February & March.
20. Copeland, Thomas, 2001, "Is the "New Terrorism" Really New?" An Analysis of the New Paradigm for Terrorism", *Journal of Conflict Studies*, Vol. XXI, NO. 2.
21. Doyvesteyn, Isabelle, 2004, "how new is the New Terrorism?" *Studies in Conflict & Terrorism*, Vol. 27, No. 5, March.
22. Garrison, Arthur H, 2003, "Terrorism: the Nature of Its History", *Criminal Justice Studies*, Vol. 16 (1).
23. Hoffman, Bruce, 1999, "Terrorism Trends and Prospects", in: *Countering the New Terrorism*, eds. Ian O. Lesser et al, Santa Monica, Calif: RAND.
24. Hoffman, Bruce, 2001, "Change and Continuity in Terrorism", *Studies in Conflict and Terrorism*, vol. 24.
25. Hudson, Rex A, 1999, *The Sociology and Psychology of Terrorism: Who Becomes a Terrorist and Why?*, Washington, D.C., University Press of The Pacific.
26. Juergensmeyer, Mark, 2005, "Religion", in: *The Club de Madrid*, Addressing the Causes of Terrorism, Madrid, Scholz & Friends.
27. Laqueur, Walter, 1996, "Postmodern Terrorism: New Rules for an Old Game", *Foreign Affairs*, Vol. 75, No. 5, September & October.
28. Lesser, Ian O, 1999, "Countering The New Terrorism:

- Implications for Strategy”, in: *Countering the New Terrorism*, eds. Ian O. Lesser et al, Santa Monica, Calif: RAND.
29. Manin, Bernard, 2008, “The Emergency Paradigm and The New Terrorism”, *Publie dans Sandrine Baume*, Biancamerica Fontana, (dir, de), Les Usages de la Separation des Pouvoirs, Paris, Michel Houdiard.
30. Morgan, Matthew J, 2004, “The Origins of the New Terrorism”, *Parameters*, Vol. XXXIV, NO. 1, 22 March.
31. Neumann, Peter R, 2009, “Old and New Terrorism”, *International Relations*, Vol. 4, Issue 3.
32. Ranstorp, Magnus, 1996, “Terrorism in the Name of Religion”, *Journal of International Affairs*, Vol. 50, No. 1, summer.
33. Rapaport, David C, 2004, “The Four Waves of Modern Terrorism”, In: *A. K. Cronin and J. M. Ludes (eds.)*, *Attacking Terrorism: Elements of a Grand Strategy*, Georgetown University Press.
34. Shughart, William F, 2006, “An Analytical History of Terrorism, 1945 _ 2000”, *Public Choice*, Vol. 128, No. 1, spring.
35. Shults, Richard H, 2003, “It Is War! Fitting Post _ 11 September Global Terrorism through a Doctrine of Preemption”, *Terrorism and Political Violence*, Vol. 15, No.1, spring.
36. Simon, Steven & Daniel Benjamin, 2002, “America and the New Terrorism”, *Survival*, Vol. 42, No. 1, spring.
37. Spencer, Alexander, 2006, “Questioning the Concept of "New Terrorism"”, *Peace Conflict and Development*, Issue 8, January.
38. Tucker, david, 2001, “what’s new aboat the new Terrorism and how dangerous is it?”, *terrorism and political volence*, No.13, autumn.
39. Tucker, David, 2001 “What's New about the New Terrorism and How Dangerous Is It?” *Terrorism and Political Violence*, No. 13, Autumn.
40. Tucker, Jonathan B, 1999, “Historical Trends Related to Bioterrorism: An Empirical Analyses”, *Emerging Infectious Diseases*, Center for Diseases Control and Prevention, July & August, available at:
www.cdc.gov/ncidod/eid/vol5no4/tucker.html
41. Weinberg, Leonard & Ami Pedahzur & Sirvan Hirsh _ Hoefler, 2004, “The Challenge of Conceptualizing Terrorism”, *Terrorism and Political Violence*, Vol. 16, No. 4.